

عدالت، عقل و اجتهاد

توسعه در کاربریست عقل برای کشف مصادیق عدل

مهدی شجریان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

فهرست

۹	تقدیر
۱۱	مقدمه
۱۷	فصل اول: تحریر محل نزاع
۱۸	۱. درباره عدالت
۱۸	۱-۱. عدالت به معنای خاص
۲۳	۲-۱. عدالت به معنای عام
۲۶	۳-۱. عدالت اجتماعی
۲۸	۴-۱. عدالت و مصلحت
۳۱	۵-۱. حسن ذاتی عدالت
۳۵	۶-۱. عدالت و فقه
۳۸	۲. درباره عقل
۳۸	۱-۲. معنای لغوی و عرفی عقل
۴۱	۲-۲. مقصود از عقل در فقه
۴۶	۳-۲. انواع کارکردهای عقل در فقه
۵۲	۴-۲. کشف مصلحت نوعیه توسط عقل مستقل
۵۸	۳. چهار نزاع طولی درباره عقل کاشف از عدالت
۵۹	۱-۳. نزاع در حسن و قبح ذاتی
۶۲	۲-۳. نزاع در حسن و قبح عقلی
۶۴	۳-۳. نزاع در قاعده ملازمه
۶۶	۴-۳. نزاع در حسن و قبح غیرقطعی
۷۲	چکیده فصل

- ۲۶۵ ۵-۱. حکم حکومتی، کشف عقلانی مصلحت و عدالت در مقام اجرا
- ۲۷۲ ۲. تحلیل و بررسی روش های کاربرست عقل ظنی در مسائل زنان
- ۲۷۲ ۲-۱. لزوم اثبات حجیت عقل غیرقطعی
- ۲۷۳ ۲-۲. لزوم تعیین مقصود از عقل
- ۲۷۵ ۲-۳. ابهام در نسبت قاعده عدالت با نصوص
- ۲۷۶ ۲-۴. لزوم پرهیز از نسبت افسارگسیخته
- ۲۷۷ ۲-۵. کشف موضوعات جدید بر پایه کشف مصالح نوعیه مستحدث
- ۲۸۱ ۲-۶. ناتوانی برخی از تحلیل ها نسبت به حل مسائل عدالت

۲۸۳

خاتمه

۲۸۷

فهرست منابع

مقدمه

فقه اسلامی، برای حل مسئله‌های اجتماعی نیازمند به‌کارگیری عقل است. پیچیدگی‌های مسئله‌های اجتماعی، تبدل در موضوعات احکام شرعی، پیدایش مسائل جدید و پرسش‌گری پربسامد مخاطبان فقه در باب چرایی و ضرورت احکام شرعی و وجه کارآمدی آن‌ها، ضرورت ورود عقل به حوزه استنباط فقهی را نمایان می‌کند.

از سویی دیگر فقه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مرجع اصلی برای وضع اصول حکمرانی و اجرای قوانین شرع در بستر جامعه انسانی شده است. مطابق اصل دوم قانون اساسی، یکی از پایه‌های جمهوری اسلامی، کرامت و ارزش والای انسانی است، که در وهله نخست از طریق «استنباط مستمر فقهای جامع‌الشرایط» تأمین می‌گردد. مطابق اصل چهارم، «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد». بدون شک مهم‌ترین اصل در اصول قانون اساسی همین اصل است؛ زیرا «این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

امروزه فقه یکی از مخاطبان اصلی پرسش از مصادیق عدالت، خصوصاً در عرصه‌هایی نظیر مسائل زنان، حقوق خانواده، محیط‌زیست، فضای مجازی، حقوق جزا و جرم‌شناسی، روابط بین‌الملل و نظایر آن است. اگر پاسخ‌های موجهی در این عرصه‌های متنوع ارائه دهد که کاربرد آن‌ها در نظم اجتماعی، عملاً به تحقق عینی عدالت منجر می‌شود، ارزش حقیقی این دانش شناخته خواهد شد و بازار خریداران آن گرم و پررونق می‌شود؛ اما اگر در قبال این پرسش‌ها، صرفاً مخاطبان

فصل هر دو رویکرد تکمیل شوند.

فصل پنجم «شرایط حجیت عقل برای کشف مصادیق عدالت» را تبیین خواهد کرد. در این فصل حدود و ثغور مدعای کتاب پس از اقامه دلیل آن و نقد و بررسی دلایل دیدگاه رقیب آن مشخص خواهد شد، تا کاربست موسع عقل در استنباط فقهی، امکان تحقق بیشتری پیدا کند.

در نهایت فصل ششم کتاب «بررسی کاربست عقل در حوزه کشف مصادیق عدالت پیرامون مسائل زنان» را تشریح می‌کند. این فصل نسبت به فصول قبلی کتاب جنبه‌ای تمرینی دارد و نشان خواهد داد که چگونه پای استنباط عقلی به صورت موسع و بر اساس مدعای کتاب در مطالعات فقهی معاصر پیرامون مسائل زنان، باز شده است و چه کاستی‌هایی در آن‌ها وجود دارد.

قبل از ورود به فصل اول، ذکر برخی از توضیحات که سبک نوشتاری کتاب را واضح‌تر می‌کنند مناسب است:

۱. فصل اول و دوم کتاب، عمدتاً با ارجاع کمتر به منابع فقهی و اصولی سامان یافته است. این امر چند دلیل داشته است: اولاً نگارنده پیش از این در موضوع فصل اول کتاب آثار قلمی منتشر کرده است و برخی از مطالب این فصل چکیده همان آثار است، که به فراخور معرفی شده‌اند. ثانیاً برخی دیگر از این محتوای این دو فصل مثل نزاع اشاعره و عدلیه در حسن و قبح ذاتی، از مشهورات اصولی هستند و چندان نیازی به مستندسازی ندارند و ثالثاً چینش فصول کتاب اقتضا کرده است که برخی مطالب در این دو فصل مورد اشاره قرار گیرند و تفصیل آن‌ها در فصول بعدی ذکر شوند و طبعاً در مقام تفصیل، منابع ارجاعی لازم ذکر خواهند شد.